

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ • ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها:۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۴ • ۱۰ صفر ۱۴۴۷ • ۴ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۷۳ • ۱۲ صفحه اذان ظهرتهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۲۵ • اذان صبح فردا ۳:۴۰ • طلوع آفتاب ۵:۱۵



طرح پوشش ملی «فرق نشویم» با عملیات نجات شبیه‌سازی‌شده توسط تیم‌های هلال احمر و ربات نجات غریق در سواحل کاشهر گیلان برگزار شد. عکس: زهرا صباغی، باشگاه خبرنگاران جوان

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

چشمان باز بسته



مهرداد دانش

وقتی این خبر منتشر شد، گویی تفاوت دیگری هم بین قتل تیت و قتل مهرجویی و محمدی‌فر آشکار شد. پرونده قتل تیت با محکومیت اعضای فرقه منسون خاتمه یافت، اما ابهام‌هایی که وکیل پرونده به آنها اشاره می‌کند، انکار همچنان نگاه به ماجرای قتل مهرجویی و همسرش را باز نگه می‌دارد و این نگاه باز، چقدر شبیه به پایان‌هایی است که مهرجویی در بسیاری از فیلم‌هایش رقم زده است. دوتل نگاه بین نصیریان و کنگرانی در پایان دایره مینا که انکار دربردارنده خشونتِ پیش‌رو بین این دو است، نگاه لیلا حاتمی به دختر در مراسم شله‌زردیزان یابانی فیلم لیلا که گویی درک نوعی تقدیر پنهان را تداعی می‌کند، نگاه نیکی کریمی به پشت سرش در واپسین لحظات فیلم سارا هنگام ترک منزل که چه بسا دلالت بر برگشت دوباره او داشته باشد، بیرون‌کشیدن حمید از دریا در پایان فیلم هامون که مخاطب را بین دو سرنوشت متفاوت معلق نگه می‌دارد، پایان سوررئالیستی دختردایی کشمده که سرنوشت فیلم‌ساز عاشق را میان زمین و آسمان وابسته به برداشت مخاطب می‌کند و… اینها همه نشان می‌دهد سینمای او نه با پایان فیلم‌هایش به اتمام می‌رسید و نه اکنون با پایان عمر خودش تمام شده است. ویژگی‌های سینمای مهرجویی در زوایای مختلف، ماندگاری عمیقی را چه در تاریخ سینمای ایران و چه در ذهن جمعی مخاطبان این سینما پرورش داده است.

ویژگی بارز سینمای مهرجویی، اقتباس ادبی بود، او از ادبیات معاصر ایران

نشانه‌خوانی

طرح بعدی کنترل فضای مجازی چیست؟



پویا نعمت‌اللهی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

سئوزه اجتماعی با حقیقتی است که به میانجی گفتمان ارائه شده است. این نسبت سخت متأثر و آکنده از مناسبات قدرت است. قدرت در دوران ما، از طریق چیزی که بعدها فوکو آن را «رژیم حقیقت» یا نظام جدید حقیقت خواهد نامید، پدید می‌آید. به این ترتیب حقیقت به خودی خود وجود ندارد. هر جامعه‌ای دارای نظم خاص خود از حقیقت، یا همان «سیاست کلی حقیقت» است. حقیقت به‌واسطه لایه‌هایی از تفسیر گوناگون به الزامات قدرت در جهت کنترل، معنا، انضباط، انطباق، انفعال، نظارت و هنجارسازی کمک می‌کند. اما ظهور رسانه‌های نوین (و خصوصاً فضای مجازی) باعث شده این الزامات تضعیف شده و دست قدرت از لایه‌هایی از این رویه‌های کنترلی کوتاه شود. بحث بر سر این است که چگونه می‌توان از «سیاست حقیقت» یا «رژیم حقیقت» را در این فضای مجازی جاری کرد. غیبت این هنجارهای حقیقت‌ساز به‌منزله غیبت موجودیت قدرت و کنترل است. باید به هر شکل ممکن، این «تولید حقیقت» در متن فضای مجازی هم تسری پیدا کند.

با این اوصاف می‌توان از حقیقت به‌منابیه «اداره معطوف به حقیقت» نام برد که مقصود از آن مجموعه روال‌هایی از جنس طرد است که نقش آنها تثبیت تمایزهایی است میان گزاره‌هایی که «غلط» و گزاره‌هایی که «درست» به شمار می‌آیند. دولت به هر طریق

۱۰۰ سال

از سال ۱۹۲۵ در ویرجینیای آمریکا یک سنت بنا نهاده شده و آن شئای پونی‌های وحشی جزیره چینکوئیک است. این اتفاق برای صدمین بار در تاریخ رخ داده و این شئای سالانه در کانال آساتیک انجام شد. «گاوچران‌های آب شور» سوار بر پونی‌ها با عبور از کانال، در ضلع شرقی جزیره چینکوئیک به ساحل می‌رسند. این رویداد توسط اداره آتش‌نشانی برگزار می‌شود که مسئول نگهداری پونی‌ها هستند و بخشی از درآمد خود را از حراج این کره اسب‌ها به دست می‌آورند. البته پول جمع‌آوری‌شده به نگهداری گله نیز کمک می‌کند.

یکی از خشن‌ترین جنایت‌ها علیه هنرمندان سینما، قتل شارون تیت، بازیگر خوش‌سیمای دهه ۱۹۶۰ آمریکاست. او در ۲۶ سالگی و در حالت بارداری، در شب هشتم آگوست ۱۹۶۹ به دست اعضای فرقه چارلز منسون، ۱۶ ضربه چاقو به قتل رسید. منسون به پیروانش دستور داده بود تا به خانهای در خیابان سیلو درایو ۱۰۰۵۰ در لس‌آنجلس حمله کنند و همه ساکنان آن را بکشند. این خانه قبلاً محل زندگی یک تهیه‌کننده موسیقی بود که منسون با او اختلاف داشت، اما در زمان قتل، شارون تیت و رومن پولانسکی (همسرش) آنجا زندگی می‌کردند. منسون به اعضای فرقه‌اش گفته بود اهمیتی ندارد چه کسی در خانه است؛ همه باید کشته شوند؛ بنابراین، تیت و دیگران به دلیل حضور در آن خانه هدف قرار گرفتند، نه به‌خاطر هویت شخصی‌شان.

اما ۵۴ سال بعد از این اتفاق دلخراش، جنایتی کم‌وبیش مشابه اما با نیتی متفاوت، در جغرافیایی بسیار متفاوت از آمریکای آن دوران نسبت به دو سینماگر ایرانی صورت گرفت. داریوش مهرجویی از پیشگامان سینمای نوین ایران و از معتبرترین و محبوب‌ترین فیلم‌سازان مؤلف ایرانی، به‌همراه همسر فیلم‌نامه‌نویش وحیده محمدی‌فر، با ضربات متعدد چاقو سلاخی شدند و به قتل رسیدند، اما در روند رسیدگی‌های محکمه‌ای، اعلام شد انگیزه قاتلان شخصی و مالی بوده است. در پی صدور حکم قطعی برای مرتکبان جنایت، دختر این‌ دو هنرمند، مونا مهرجویی، با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد خانواده‌اش درخواست اجرای حکم قصاص ندارند. وکیل پرونده هم اعلام کرد اولیای دم با اعلام گذشت از حق قصاص، خواهان اجرای کامل مجازات‌های جایگزین با توجه به جنبه عمومی جرم شده‌اند. وکیل مادر خانم محمدی‌فر نیز تأکید کرد: «اجرای حکم قصاص (در این پرونده)، نه‌تنها منجر به کشف حقیقت نمی‌شود، بلکه چه‌بسا زمینه‌ساز خاموش‌شدن بخشی از حقیقت باشد که هنوز در ابهام باقی مانده است».

عضو هیئت‌رئیس‌ه مجلس نامه دولت درباره استرداد لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» را قرائت کرد.
اکنون برخی فکر می‌کنند قضیه مقابله با فضای مجازی به بایگانی سپرده می‌شود. بعد از پس‌گرفتن لایحه بود که سیل ستایش و مدح به‌سوی رئیس دولت سرازیر شد. اما با تأمل در کلیت قضیه و روند ارائه آن لایحه تا اعتراضات بعدی و در نهایت پس‌گرفتن آن، به نظر می‌رسد چیزی در این ماجرا درست نیست. به عبارت دیگر ماهیت این لایحه به‌گونه‌ای است که سرگذشت این لایحه در همین نقطه به پایان نمی‌رسد. این حکایت همچنان ادامه خواهد داشت و هر بار که بازگردد، مهابت بیشتر و سنگین‌تری پیدا می‌کند. چه شواهدی دال بر این ادعا وجود دارد؟

اولین شاهد در واقع خود دستگاه اطلاع‌رسانی دولت است. سخنگوی محترم دولت تا یکی دو روز قبل از پس‌گرفتن لایحه به شدت و حدت از آن دفاع می‌کرد و هدف از آن را حفظ آرامش روانی مردم و اقدام در راستای دسترسی آزاد به اطلاعات دانسته و معتقد بود هیچ مانعی برای آزادی بیان نیست. این نشان می‌دهد که پس‌گرفتن آن لایحه مبتنی بر مباحث فنی و دقیق و کارشناسی نبوده است، وگرنه سخنگو تا این اندازه سفت و سخت از لایحه‌ای که این‌قدر اعتراض در بین هواداران و حامیان دولت برپا کرده، دفاع نمی‌کرد. دومین شاهد را باید در واژه‌شناسی و اصطلاحات موجود در متن لایحه پیدا کرد. استفاده از واژگانی همچون «خلاف واقع» و «واقعیت» نشان می‌دهد که بحث اصلی بر سر مالکیت حقیقت است. اکنون «واقعیت» همان چیزی است که دولت در نظر دارد. اینجا دولت مالک «واقعیت» و «حقیقت» می‌شود. فوکو هر حقیقت و نظام دانایی را صورت‌بندی خاصی از رابطه قدرت دانسته و این‌چنین حقیقت مطلق و تاریخی را نافی فردیت و آزادی انسان می‌داند. برای فوکو، مسئله همواره نسبت

جست‌وجوی امدادگران برای یافتن چهار معدنچی شیلیایی ادامه دارد. امدادگران سه روز بعد از ریزش معدن در شیلی توانستند جسد یکی از معدنچیان گرفتار در معدن را پیدا کنند. این معدن متعلق به دولت بوده و در ۷کیلومتری جنوب شرقی سانتیاگو، پایتخت شیلی، قرار دارد. ریزش برخی از تونل‌های زیرزمینی معدن ناشی از زلزله ۲٫۹ ریشتری بود. معدنچیان محبوس در آن زمان در اعماق زمین مشغول کار بودند. گزارش شده است یک نفر پس از زلزله کشته شده و پنج نفر در معدن محبوس شده‌اند.

یاد

این دنیا، دل‌بستنی نیست…



روزبه خسروخوار

در روزگاری نه‌چندان دور، دکتر نیک‌آذر استاد من در دوره فوق‌لیسانس بود؛ مردی فرهیخته، هنرمند و دل‌آگاه. از آن‌دست آدم‌هایی که نه‌فقط درس می‌دادند، که زندگی را مشق می‌کردند. اهل شعر بود و خوش‌خط، دوستدار موسیقی و دل‌سپرده جای پررنگی که لایه‌لای ساعت‌های کلاس، جالش را خوش می‌کرد. تابستان سال ۸۲ بود. یکی از همان ظهرهای گرم که آفتاب بی‌ملاحظه می‌تابد و آدم بی‌هیچ قصدی، سری به گذشت‌های می‌زند. وارد دانشکده شدم و او با همان لیخنه آشن‌ا، شوخی‌وار گفت: «به‌به، چه عجب! سری به ما زدی!». بعد با لحنی مهربان و جدی افزود: «زودتر دفاع کن». با هم به اتاقش رفتم. نشستیم و از صدای ابرو گوندش گفت: خواننده‌ای که دوست می‌داشت و صدایش در جانش می‌نستست. تأییدش کردم و

گفت‌وگویمان نرم و آرام پیش رفت. بعد، لحظه‌ای مکث کرد و گفت: «چه دفاع کنی، چه نکنی، سربازی می‌روی، کار می‌کنی… آخرش باید آدم موفقی شوی». ای امان از تکرار، کاش زمان می‌ایستاد. و بعد، به‌مقدمه، جمله‌ای را خواند که خودش

خوش‌نویسی کرده بود. از حضرت علی(ع): «بگذارید و بگذرید، ببینید و دل میندید، چشم ببوشید و دل میندید. که دیر یا زود، باید گذاشت و گذشت». آن روز، زیبایی واژه‌ها را فهمیدم، اما معنای عمیق‌شان را ۲۲ سال بعد، زمانی که عزیزانم از میان‌مان رفتند، با تمام وجود لمس کردم.

تجربه سوگ، پرده از معنای واقعی آن کلام برداشت.

هنرخوانی

زیستن در تاسیان

رضایکائی

«تاسیان» به پایان رسید، اما انکار هنوز در ذهن تماشاگر ادامه دارد. نه آن‌قدر برای داوری‌اش شتاب باید کرد و نه آن‌قدر برای راهبی از آن عجله… فارغ از هر قضائتی درباره کیفیت فنی یا میزان موفقیت تکنیکی «تاسیان»، نمی‌توان وابسته‌شدن بخش قابل اعتنائی از جامعه به تاروپود آن سریال را انکار کرد. قصه‌ای است که هرکس به فراخور زخمش، روآیاش، حافظه‌اش، تعبیری از آن در دل دارد. شخصیت‌ها، نیمه‌روشن‌هایی‌شدند که در آینه خیال مردم شکل می‌گیرند و مدام ویراسته و دگرگون و گاه حتی از نو زاده می‌شوند. این روزها دیگر فقط نویسنده و کارگردان نیستند که روایت را پیش می‌برند؛ هر مخاطب، رسانه‌ای است. هر گوشی همراه، میدانی برای تفسیر است. هوش مصنوعی، نقاشی‌ها، داستان‌های جانبی، تطبیق با «مکبث» و «مده‌آ» و «ابله»، تاسیان با وجود بومی‌بودنش، در همین خصلت تاوولی و لایه‌لایه‌بودن، با این شاهکارها هم‌نفس می‌شود. همگی انکار ادامه سریالی‌اند که هنوز از ما عبور نکرده و شاید اثر، آنگاه اثر است که این چنین در خیال جمعی، اقامت کند. این واکنش‌ها نشانه‌ای است از زیست فرهنگی تازه که در آن مرز میان خالق و مخاطب فرورخته است. در مجموع، تاسیان را می‌توان یکی از معدود روایت‌های تصویری دانست که در حافظه جمعی مخاطب بومی، مجالی برای تأمل و تفسیر مکرر گشوده است. همین ظرفیت تفسیر و پیوند با سنت‌های دراماتیک جهانی، ارزش بررسی فرهنگی و جامعه‌شناختی آن را دوچندان می‌کند تا در افکار عمومی، نه‌فقط یک روایت سرگرم‌کننده، که تجربه‌ای قابل درک باشد از کنش تفسیری شهروندان در جهان رسانه‌ای‌شده امروز.